

وقتی اشیا صورت انسانی دارند

«پاریدولیا» پدیده‌ای ذهنی است که طی آن تصاویر اتفاقی و بی‌معنی، شکل واقعی و گاهی ترسناک به خود می‌گیرند
اتفاقی که زمینه‌های عجیبی دارد و می‌تواند به ترویج خرافه و... هم دامن بزند

ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۱

۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۴ • ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲

شماره ۳۱۱۰۸

۳۳۲۸



دستا بالا

دوربین‌های ثبت تخلف برای رانندگان متخلف ترسناک است. قضیه وقتی ترسناک‌تر می‌شود که همین دوربین بخواهد خودش اعمال قانون کند و به حساب راننده خلافکار هم برسد!



در پشتی اسرار آمیز

این عکس را «میثم دهقانی» عکاس روزنامه خراسان گرفته است. آدم ناخودآگاه یاد فیلم‌های تخیلی می‌افتد که بچه فضولی در یک باغ قدیمی قدم می‌زند و زیر شاخ و برگ درختان در بچه‌ای به یک مکان و زمان دیگر پیدا می‌کند. حتی تصورش هم لذت بخش است.

پرونده

بچه که بودیم شب‌ها سایه درخت داخل حیاط را شبیه یک موجود زشت می‌دیدیم. گاهی ابرها را شبیه خوراکی می‌دیدیم. از دوران کودکی تا امروز با خیلی از تصاویر گنگ و نامفهوم طرف بودیم که انگار معنادار و واقعی هستند. مثل یک سیبزمینی که انگار می‌خندد، چمدانی که عصبانی است و... این پدیده روان‌شناختی «پاریدولیا» نام دارد، فرایندی که طی آن ذهن ما تصاویر بی‌معنی، صداهای تصادفی و... را شبیه یک اتفاق معنی‌دار پردازش می‌کند که البته بی‌دلیل هم نیست. فکر کنید صدای آرامی شنیده‌اید که مربوط به برهم خوردن پنجره همسایه است اما این صوت در ذهن شما طوری تحلیل می‌شود که انگار کسی می‌گوید «بیا این جا!» بعد هم می‌ترسید. چون با علت این اتفاق آشنا نیستید. البته «پاریدولیا» همیشه وحشتناک نیست، خیلی وقت‌ها سرگرم‌کننده است. یعنی یک محرک مبهم با برداشتی نادرست یک داده معنادار را برای ما پردازش می‌کند اما خبر قرار نیست از دیدن یک گوجه‌فرنگی که ترسیده ما هم بترسیم، بلکه می‌خندیم. در این پرونده به این موضوع، مصادیق جالب و دل‌پیش می‌پردازیم. با ما باشید.

خنده با پاریدولیا

گفتم پاریدولیا شامل تفسیر معنادار از صداها یا تصاویر بی‌معنی و اتفاقی است؛ اما وقتی بخواهیم در یک رسانه مکتوب به سراغ مصادیق این پدیده برویم، باید مواردی را که مرتبط با صدا هستند، کنار بگذاریم. اما عکس‌ها به خودی خود جذاب هستند. ببینید.

موسیقی طبیعت



کلید سل در نت‌نویسی موسیقی به کار می‌رود. حالا یک کشاورز این کلید را به طور طبیعی در مزرعه‌اش پیدا کرده است. الکی نیست که می‌گویند محیط زیست هم موسیقی خودش را دارد.

کمد مشنگ



این عکس را فاطمه خانم، یکی دیگر از همکاران به طور اتفاقی از کمد خانه‌اش گرفته است. انگار یک اردک مشنگ، از دست شکارچی فرار کرده و در حال کواک کواک کردن به سمت اوست!

کمر بند ناایمنی



کار کمر بند ایمنی خودرو، محافظت از جان و سلامت سر نشینان است. حالا یکی باید بیاید از این کمر بند داغان محافظت کند. بعید نیست شرکت‌های خودروساز وطنی همین قیافه بانمک را کپی کنند و به عنوان یک آپشن روی محصولاتشان بگذارند و چند میلیون روی قیمتش بکشند.

من می‌دونستم



شخصیت «گلام» در سریال گالیور را به یاد دارید؟ همان که همیشه ساز مخالف می‌زد و آیه‌ای می‌خواند و در برابر هر اتفاق بدی می‌گفت «من می‌دونستم». معرفی می‌کنم: دوقلوهای بداخلاق گلام که کلا با همه چی مخالف هستند!

آدم فضایی‌های خشن



این تصویر هم تقدیم به کسانی که می‌گویند آدم فضایی وجود ندارد. اگر وجود ندارد پس چه کسی این پف‌فیل‌های خشمگین را پخته است!؟

جبرئت‌داری بیدار نشو



ساعت زنگ‌دار، نشانه عذاب از خواب بیدار شدن است. بعضی‌ها به زنگش توجهی نمی‌کنند و بعد از قطع کردنش دوباره به خواب می‌روند. این ساعت برای آن‌هاست که حتی با ضرب کتک هم بیدارشان کند!

شیر خشک



وقتی می‌گوییم شرایط آب‌وهوایی است، برای این می‌گوییم. ببینید شیرها هم دیگر صدایشان درآمده و بیکار و غصه‌دار نشسته‌اند، از بس که آب نیست.

رژیم بگیر



یکی از وسایلی که زودتر از خودش، از جاک شدنش صدمه می‌بیند، کمر بندها هستند. از قیافه این کمر بند غمگین هم مشخص است که صاحبش آن قدر چاق شده که دیگر سگکش به هیچ سوراخ کمربندی نمی‌رسد.

بوفالوی مکانیزه



این وسیله قبلا یک بوفالو بوده که به دلیل شرایط سخت زندگی گاوی، تبدیل به دسته یک دستگاه شده است. از قیافه‌اش مشخص است که از زندگی فعلی‌اش خیلی هم راضی است.

بلندگوی ساکت



قرار نیست اسپیکرهای رایانه همیشه داد و قال کنند. یک بلندگو هم مثل ایشان پیدا می‌شود که آرام و ساکت، روی میز کنار مانیتور می‌نشیند و حرف نمی‌زند.

پیاز تیز و موذی



پیاز به خودی خود، سوزش‌آور است، چه برسد به آن که این قدر بدجنس هم باشد. خدا به خورنده‌اش رحم کند!

وقتی هری پاتر غیبت دارد



اگر در دنیای هری پاتر زندگی می‌کردیم، حتما به یک در جادویی برای هاگوارتز (مدرسه آموزش جادو) نیاز داشتیم که وقتی شاگردی دیر می‌آید، یواشکی برایش باز بشود و بگوید «بیا از این جابرو سر کلاس، به کسی هم نگو!»

خانواده بی اعصاب‌ها



یکی از بیشترین تصاویر پاریدولیا مربوط به فلفل دلمه‌ای‌هاست. انگار آن‌ها آدم بوده‌اند و بعدا فلفل دلمه‌ای شده‌اند. این هم یک خانواده فلفلی که متأسفانه هیچ کدامشان اعصاب در دست و حسابی ندارند.

پاسخ به چند سوال درباره پاریدولیا

۱ چرا درگیر چنین پدیده‌ای می‌شویم؟

ذهن ما در طول تکامل برای بقای ما طراحی شده است یعنی بخشی از مغز برای تشخیص ظاهر عوامل خطر آفرین مثل ببر و خرس یا صدای آن‌ها تقویت شده و زمان کمی دارد تا چیزی را که می‌بیند تحلیل کند. نیاکان ما از این بخش برای شناخت تصاویر مبهم یا صداهای مخدوش درندگان و... در تاریکی، بین درختان و بیشه و... استفاده می‌کردند. مغز ما برای حفظ بقا همیشه در حالت هشدار است. برای همین در دنیایی با بی‌نهایت تصویر

۲ بیشتر چه وقت‌هایی دچار پاریدولیا می‌شویم؟

صدای تازه نمی‌تواند تحلیل درستی داشته باشد و پیغام خطا می‌دهد. بیشتر چه وقت‌هایی دچار پاریدولیا می‌شویم؟ گفتیم مغز ما در حالت هشدار است؛ اما هر قدر شرایط سخت‌تر، تازه‌تر و مبهم‌تر باشد، مغز حالت هشدار را قوی‌تر می‌کند. مثل وقتی که در حال عبور از خیابان هستیم و ممکن است هر جنبنده‌ای را مثل ماشین تصور کنیم یا اگر عابر نیستیم و رانندگی می‌کنیم درخت را با انسان اشتباه بگیریم.

۳ پاریدولیا برای همه اتفاق می‌افتد؟

هر کسی متناسب با فرهنگ، نگرشی که به زندگی دارد، زمینه‌های روحی و دغدغه‌هایی که در ذهن دارد، ممکن است با چنین پدیده‌هایی مواجهه متفاوتی داشته باشد. گاهی برخی از تر معرض این پدیده بودن غافل‌گیر می‌شوند یعنی باید این قیافه عصبانی یک درخت شو که می‌شوند، بعضی‌ها خودآگاه دنبال چنین پدیده‌ای می‌روند تا سرگرم شوند. بعضی‌ها کتمان می‌کنند، بعضی‌ها همه‌تنهادر یافت اولیه را پس نمی‌زنند بلکه فراتر می‌روند و به باورهایی می‌رسند که خرافاتی است.

۴ چرا پاریدولیا موضوع مهمی است؟

پاریدولیا می‌تواند برای فرد زمینه‌نگرانی، استرس و شو که شدن‌های مداوم را ایجاد کند. به خصوص خیلی از ما ممکن است صداهای بی‌معنی را طوری تفسیر کنیم که باعث سلب آسایش و ترس مان بشود. اما در مقیاس اجتماعی این پدیده می‌تواند زمینه خرافاتی داشته باشد و روی خیلی مسائل تاثیر بگذارد. به طور مثال اسکناس‌های کشور کانادا در سال ۱۹۵۲ میلادی به این دلیل که در تصاویر آن چیزهای عجیبی دیده می‌شد، خبر ساز شد. خیلی‌ها

روی نان تُست که بر اثر برشته شدن نامتقارنش عجیب شده بود، چهره قدیسه‌های مسیحی را دیدند. خیلی‌ها روی مریخ علائم و نشانه‌هایی دیدند که طوری تفسیر شد انگار حیات‌هوشمند در این دو وجود دارد. در حالی که با اطلاع از فرایند این پدیده، می‌شود جلوی خیلی از این اغراق‌ها، نگرانی‌ها و خرافات را گرفت.

۵ چه افرادی بیشتر در معرض این پدیده هستند؟

این که ما در معرض چنین اتفاقی باشیم به خودی خود بد نیست، تفسیر آن تجربه و مدیریت کردنش

می‌تواند روی ما اثر بگذارد. به طور کلی افراد بر اساس فرهنگ، زیست اجتماعی، شرایط اکتسابی، نگاهی که به زندگی دارند و حجم نگرانی، فانتزی بودن و... می‌توانند تجربه‌های مختلفی داشته باشند به طوری که دو نفر آدم از کنار یک صدا یا تصویر باد و آکنش کاملاً متفاوت بگذرند. اما در کل افرادی که روحیه هنری دارند، کسانی که مدام در موقعیت‌های جذاب، تازه و پرخطر و هیجان هستند و بچه‌ها که قدرت تخیل بیشتری نسبت به بزرگ‌ترها دارند، زمینه بیشتری برای درگیر شدن با پاریدولیا دارند.